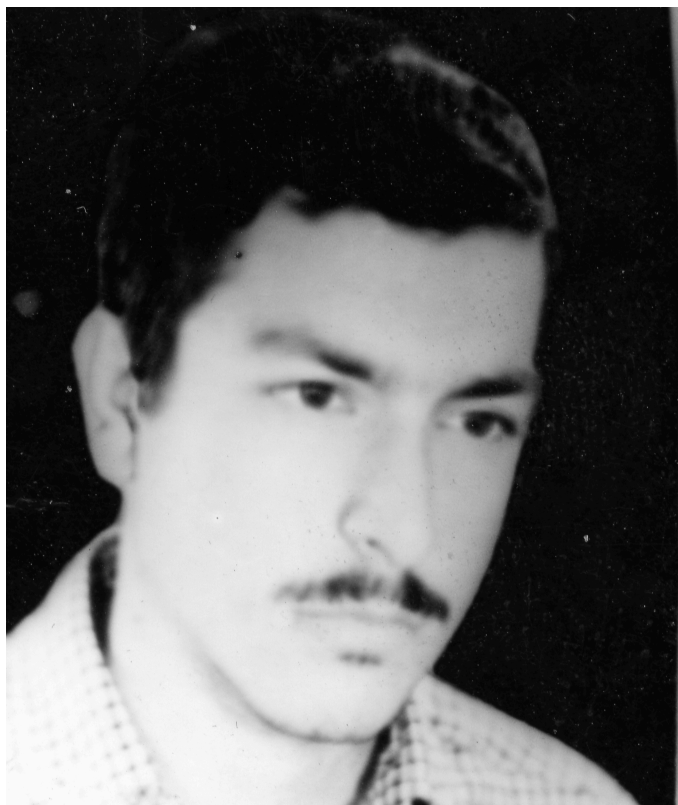


شهید عبدالمجید دانش پڑوہ




از کتابخانه ملی
سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	محمد حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۷/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۲/۱۳
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	آموزش و پرورش
تحصیلات	دانشجو
مدفن	بrazجان

زندگینامه

شهید عبدالمجید دانش‌پژوه در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی در برازجان به جهان گشود پس از گذراندن دوران کودکی و رسیدن به سن تحصیل دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را آغاز نمودند و در این دوران با قرآن کریم آشنا و علاقه وافری به شرکت در کلاس‌های تابستانی آموزش قرآن و تلاوت قرآن از خود نشان دادند و شوق زیادی جهت فراگیری کتاب آسمانی و حیات بخش قرآن داشتند و در همان سنین کم خواندن نماز را شروع و به انجام این فریضه الهی کاملاً مقید و علاقه‌مند بود و با اقامه نماز هر چه بیشتر خود را به معبود خویش، خالق منان نزدیک‌تر ساختند و با همین تقرب به الله بود که خدای را به خوبی شناخت. عاشق لقاءالله سپس در دوران تحصیلات دبیرستانی که هم زمان بود با پیروزی پر شکوه انقلاب اسلامی یک لحظه دست از تلاش و کوشش برای خدمت به انقلاب اسلام بر نمی‌داشت و همواره خالصانه و با عشق و علاقه به اسلام و جمهوری اسلام و جمهوری اسلامی خدمت می‌کرد در دبیرستان یکی از اعضا فعال و صادق انجمن اسلامی بود و همواره همت والایشان خدمت به انقلاب اسلامی بود و اعتقاد محکم و استواری به رهبریت امام عزیز امت و روحانیت مبارز به ویژه آیت‌الله منتظری داشت و همواره گوش به فرمان امام و رهبر خویش بودند. شهید بزرگوار پس از اتمام دوران تحصیل فعالیت خود را با خدمت در واحد فرهنگی جهاد سازندگی دشتستان ادامه دادند و مدت یک‌سال نیز در جهاد به روستاییان محروم خدمت نمود سپس جهت فراگیری علوم دینی به شیراز عزیمت نمود آنگاه جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفت و سپس به حوزه علمیه قم رفتند و در همین دوران در برازجان نیز دست از تلاش برنداشتند و به همراهی جمعی از هم‌سنگران خویش در مرداد ماه سال ۶۱ پایگاه مقاومت کربلا را تشکیل دادند و خدمات گمنامانه در این قسمت از شهر نمودند اما این عاشق و شیدای سرور و مولای خود امام حسین (ع) در شهر و حوزه آرام نمی‌گرفت لذا در مهر ماه ۶۱ جهت طی دوره آموزش نظامی به همراه عده‌ای دیگر از برادران به پادگان آموزشی شهید دستغیب کازرون عزیمت کردند و پس از اتمام دوره آموزش در آبان ماه همان سال به جبهه‌های جنوب و منطقه عملیاتی محرم اعزام گردید و در این عملیات پیروزمند شرکت نمودند و بر علیه خصم زبون رزمیدند تا اینکه از ناحیه سر و گوش مجروح شدند پس از بهبودی مجدداً از طریق بسیج اصفهان به جبهه‌های پیکار حق علیه باطل اعزام شدند و چند ماه نیز در جبهه‌های غرب خدمت نمودند پس از بازگشت از جبهه مجدداً بطور مستمر فعالیت در پایگاه مقاومت کربلا پرداخت و ایام تعطیلات را در حوزه با خدمات فرهنگی و انتقال آموخته‌های و نظامی به سایر برادران بسیج می‌گذاشتند و دینی و شب‌ها نیز جهت حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی خالصانه نگهبانی می‌داد و همواره راهنمای دلسوز و صادقی برای برادران بسیجی خود بود در همین ایام به خدمت سربازی فراخوانده شدند لذا ایشان سنگر حوزه را رها و به خدمت مقدس سربازی در آمد و پس از دوره آموزشی وارد سنگر جدید شد و در بخش عقیدتی سیاسی لشکر نیروهای مخصوص کلاه سبز مشغول به خدمت شد و دوبار جهت تبلیغ اسلام و ارشاد برادران ارتشی خود به منطقه عملیاتی پیرانشهر عزیمت کردند پس از اتمام خدمت مقدس سربازی در کنکور سراسری تربیت معلم شهید مطهری خورموج به ادامه تحصیل پرداختند در این مرحله از تحصیل نیز دست از مطالعه برنداشته و همواره مشغول مطالعه و تحقیق بودند و همواره کارهای خود را با اخلاص و فروتنی انجام می‌داد و اوقات تعطیلات خود را نیز بطور فعال در پایگاه مقاومت کربلا به خدمت انقلاب اسلامی می‌گذاشتند و آن چنان با اخلاص و صداقت و دلسوزی و بی‌ریا و منظم بود که الگویی به تمام معنا بودند برای برادران بسیجی خود شبی که در پایگاه نگهبان بود و مسئولیت گروه بر عهده شان بود اوقات نگهبانی دیر وقت را خود بر عهده می‌گرفت و ایثار زیادی می‌کردند بدون اینکه بگذارند سایر برادران اطلاع پیدا کنند نماز شب را می‌خوانند و کمتر کسی بود که اطلاع پیدا کند زیرا که هدف الله بود و بس شهید بزرگوار همیشه شیفته خدمت به اسلام بود و دل به حال این انقلاب می‌سوخت تا آنجا که با کوچک‌ترین مخالفت با انقلاب اسلامی آزرده خاطر می‌شد و روح شریفشان را رنج می‌داد همیشه در پی ارشاد و یاری هموعان خود بود و روحی بزرگ و پرفتوت و سخاوت داشت و زندگیشان آمیخته به نور ایمان بود و آرزو داشت که همه به پیشرفت و رشد برسند و برای ترقی تمامی مسلمین دعا می‌کرد و روح بزرگشان عاری بود از صفات پلیدی مثل تهمت غیبت دروغ حسد بخل وریا و غیره و حتی از شوخی‌های زیاد هم پرهیز می‌کرد و فردی بودند متین فروتن صادق دلسوز و پرتلاش و در انجام فرائض دینی کاملاً مقید بودند و همواره با عشق و علاقه در نمازهای جمعه و جماعات حضور فعال داشتند و در تمامی

مسائل انقلاب همواره در خط امام و اسلام فقهاتی حرکتی می کردند و با همین ایمان و اعتقاد راسخ بود که خودمشوق اصلی و پیشتاز کاروان لبیک یا امام بودند. از خورموج به ندای امام خویش لبیک گفته و در فروردین ماه ۶۵ به منطقه عملیاتی والفجر ۸ اعزام شدند و در ناو تیپ امیر المومنین (ع) واحد ادوات پس از طی آموزش مینی کاتیوشا به محور عملیاتی خور عبدالله عزیمت نمودند. و پس از چند روز خدمت در این واحد ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۳/۲/۶۵ هنگامی که در بیرون از سنگر مشغول گرفتن وضو بوده اند بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسیدند.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید دانش پژوه :

با عرض ادب به پیشگاه باری تعالی که وجود و هستی ما بدست اوست و هموست که ما را از ظلمت تاریکیها به سوی روشنایی و نور هدایت فرمود و سلام به حضور بزرگواران دین ائمه اطهار سلام الله علیه و درود به رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی و درود به ارواح پاک و طیبه شهدای اسلام از صدر تا کنون و درود به رزمندگان پرتوان اسلام .

سعی کنید امام عزیز را یاری کنید و اسلام عزیز را که ثمره خون شهیدان است دنبال کنید و قصور در انجام این مسئله نتیجه اش این است که ما به وظیفه خود عمل نکرده و خطا کرده ایم .

خاطرات

خاطره ای از پدر شهید عبدالمجید دانش پُرو
با درود و سپاس به پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت صاحب الزمان(عج) و درود به روح کبیر انقلاب اسلامی و امام
شهیدان امام خمینی(ره) و آرزوی طول عمر برای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای ،
خاطره‌ای از شهید بزرگوارمان نقل می نمایم. .. سال ۱۳۶۲ بود و ایشان بار دوم بود که به جبهه حق علیه باطل
اعزام شدند. پس از مدتی نامه یا تلفنی از شهید نیامد و ما نگران بودیم و هر چه از دوستان و هم‌زمانش پرس و جو
می کردیم ولی نتیجه ای نمی گرفتیم. تا اینکه یک روز صدای تلفن به صدا در آمد و شهید پشت تلفن با ما سلام و
علیک کرد و گفت که از ناحیه گوش مجروح شده اند. پس از این خبر من به همراه پدر بزرگ مرحومش با زحمت
فراوان ایشان را در بیمارستان شهید فرخی یزد واقع در ایتان یزد ایشان را پیدا کردیم. پس از اسرار شدید
مسئولان بیمارستان مبنی بر اینکه مجروح بایستی با هواپیما به استان بوشهر و سپس به برازجان انتقال یابند، آنها
راضی شدند ما ایشان را با اتوبوس به برازجان بیاوریم. شهید بزرگوار خیلی به اصول اعتقادی و اسلامی پایبند
بودند و بسیار به ما سفارش میکرد که در خط امام و ولایت حرکت کنیم. و همیشه در صحنه حضور داشتند و پشتیبان
انقلاب بودند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران